

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۸/۲۶

موضوع: پیامبر اسلام، هم مظهر رحمت و هم مظهر غضب الهی

(سخنرانی در دانشگاه شهید محلاتی)

فهرست مطالب این سخنرانی:

ویژگی های انحصاری پیامبر اسلام در قرآن کریم

۱- افضل الانبیاء رُتَباً و ذاتاً

۲- حمایت و دفاع مباحثی خداوند متعال از پیامبر اسلام

۳- پیامبر اکرم، مظهر رحمت و غضب الهی

آیا پیامبر اکرم با قبایل پیمان شکن، دوباره مذاکره کردند؟

آیا پیامبر اکرم همه اسرای جنگی را عفو کردند؟

ماجرای قتل عام یهودیان بنی قریظه به دستور پیامبر!

پرسشها و پاسخها

شاخصه های ولایت مداری در آیات و روایات چیست؟

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين. الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله. الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

ایام ولادت نبی گرامی اسلام، پیامبر رحمت حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و فرزند بزرگوارش امام صادق (علیه السلام) ناشر فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) را به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقية الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و شما گرامیان تبریک عرض می‌کنم. خدا را به این دو نور پاک سوگند می‌دهم عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان قرار دهد، ان شاء الله.

من در این دقایقی که در خدمت آقایان هستم، بحثم را در دو بخش تقدیم عزیزان و بزرگواران می‌کنم. بخش اول در رابطه با قضیه ولادت نبی گرامی اسلام است. عزیزان در این زمینه سخن زیاد شنیده‌اند. اتفاقاتی در شب میلاد رسول الله در جزیره العرب رخ داد؛ سرنگونی بت‌ها و شکستن ایوان کسری و واژگون شدن چهارده کنگره آن، نمونه‌ای از این موارد است.

این اتفاقات مسائلی است که در کتب شیعه و اهل سنت در حد تواتر آمده است. من با توجه به بعضی از مسائل به چند ویژگی خاص نبی گرامی اسلام اشاره می‌کنم، سپس در رابطه با بعضی از شبهات مهدویت در خدمت دوستان هستیم.

اگر عزیزان ما سؤالی داشته باشند، بزرگواری کنند به صورت مکتوب از ما بپرسند که خیلی بهتر است. اگر سؤالات به صورت شفاهی هم هست در خدمت عزیزان هستیم.

ویژگی های انحصاری پیامبر اسلام در قرآن کریم

۱- افضل الانبياء رتباً و ذاتاً

یکی از ویژگی‌هایی که قرآن کریم برای رسول اکرم معین می‌کند این است که فرمود:

(وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ)

و من نخستین مسلمانم!

سوره انعام (۶): آیه ۱۶۳

است. مراد از (وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ) چیست؟ بنده دو آیه از دو پیامبر الهی را آوردم تا شما مقایسه کنید. حضرت

ابراهیم آخر عمر از خداوند عالم درخواست می‌کند که او را مسلمان قرار دهد و می‌فرماید:

(رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِن دُرَيْتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ)

پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما امتی که تسلیم فرمانت باشد به وجود آور.

سوره بقره (۲) آیه ۱۲۸

حضرت نوح می‌فرماید:

(وَ أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ)

و من مامورم که از مسلمین (تسلیم شدگان در برابر فرمان خدا) باشم.

سوره یونس (۱۰): آیه ۷۲

این در حالی است که نبی گرامی اسلام می‌فرماید: **(وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ)**! مفسرین در تلاشند که ببینند مراد از **(أَوَّلُ)** اولیت رتبی است یا اولیت ذاتی است. در مورد اولیت رتبی هیچ شکی نیست، زیرا نبی مکرم اسلام در رتبه، از همه انبیاء الهی مقدم است.

ظاهر قضیه این است که تنها این نیست که مراد اولیت رتبی باشد، بلکه هم اولیت رتبی و هم اولیت ذاتی است. شما احادیثی که در رابطه با خلقت نوری نبی گرامی اسلام هست را ملاحظه کنید که در منابع شیعه و اهل سنت آمده است.

به عنوان مثال در کتاب «فضائل الصحابة» اثر «احمد بن حنبل» که یکی از کتب معتبر اهل سنت است، روایتی در این زمینه نقل شده است. ایشان در جلد ۲ صفحه ۶۶۲ با سند صحیح نقل می‌کند که پیغمبر اکرم فرمود:

«كنت انا وعلی بین یدی الله عز و جل قبل ان یخلق آدم بأربعة عشر ألف عام»

من و علی نوری بودیم و در برابر خدا عبادت می‌کردیم چهارده هزار سال قبل از آنکه حضرت آدم آفریده شود.

فضائل الصحابة - أحمد بن حنبل، الكتاب: فضائل الصحابة، المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني،

الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الأولى، ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳، تحقیق: د. وصی الله محمد عباس، ج ۲،

ص ۶۶۲، ح ۱۱۳۰

واژه «چهارده هزار سال» نشانگر کثرت است، نه اینکه مراد چهارده هزار سال، نه یک روز کمتر و نه یک روز بیشتر باشد.

معمولاً عددی که در روایات آمده است، غیر از آن چیزی است که در احکام است که ما عدد را باید رعایت کنیم. به عنوان مثال تسبیحات اربعه سه تاست و اگر شما دوتا گفتید مشکل پیدا می‌کند. همچنین سجده دوتاست و اگر سه تا باشد باطل است.

در روایاتی که در فضائل و اعتقادات است، این واژه نشان از کثرت است. به عنوان مثال می‌فرماید:

(اسْتَغْفِرُ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ)

چه برای آنها استغفار کنی و چه نکنی، (حتی) اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی هرگز خداوند آنها را نمی‌آمرزد

سوره توبه (۹): آیه ۸۰

آیا این فرمایش به این معناست که اگر هفتاد و یک بار استغفار کنی، خداوند می‌بخشد؟! خیر. هرچه زیاد هم استغفار کنید، خداوند عالم منافقین را نخواهد بخشید. واژه «بأربعة عشر ألف عام» هم به این معناست. یعنی پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین بسیار جلوتر از حضرت آدم آفریده شدند.

امام خمینی (ره) کتابی دارد به نام «مصباح الهدایة الی الخلافة والولاية» که در رابطه با جایگاه ائمه اطهار است. بنده که نود درصد عمر حوزوی خود را در حوزه ولایت و پاسخ به شبهات گذراندم، معتقدم کتابی به این عمق و چنین جامع در مقام ائمه اطهار ندیدم.

فقط اشکال کار این است که این کتاب قدری سنگین است و بحث‌های فلسفی و عرفانی دارد. امام خمینی خود می‌فرماید که اگر کسی عرفان و فلسفه نخوانده است، راضی نیستم این کتاب را مطالعه کند!

جناب آقای «فهری» این کتاب را ترجمه کردند، اما ترجمه ایشان هم احتیاج به یک ترجمه و بلکه به یک شرح نیاز دارد. در متن عربی این کتاب صفحه ۱۳۰ امام خمینی روایتی از امام رضا (علیه السلام) در رابطه با خلقت نوری ائمه اطهار می آورد.

این روایت یکی از جالبترین و جذابترین روایات در خلقت نوری اهل بیت (علیهم السلام) است. اگر شما این روایت را ببینید، می توانید از آن بیست یا سی جلسه یک ساعته علمی بیرون آورید.

همچنین روایت دیگری داریم که در کتاب «الإصابة» اثر «ابن حجر عسقلانی» وارد شده است. در این روایت از پیغمبر اکرم سؤال می کنند:

«یا رسول الله، متی کنت نبیا»

یا رسول الله: نبوت شما از چه زمانی آغاز شد؟

«قال: «وآدم بین الروح والجسد»»

زمانی که حضرت آدم آفریده نشده بود.

او در مورد سند روایت هم می گوید:

«وهذا سند قوی»

الإصابة فی تمییز الصحابة، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی (المتوفی: ۸۵۲ هـ)، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، الناشر: دار الکتب العلمیة -

بیروت، الطبعة: الأولى - ۱۴۱۵ هـ، ج ۶، ص ۱۸۹، ح ۸۳۰۳

همچنین در مورد آیه:

(فَتَلَّقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ)

سپس آدم از پروردگار خود کلماتی دریافت داشت (و با آنها توبه کرد) و خداوند توبه او را پذیرفت.

سوره بقره (۲): آیه ۳۷

شیعه و سنی شاید بیش از صد روایت دارند که حضرت آدم به رسول اکرم و دیگر خمسه طیبه متوسل شد.

«ابن تیمیه حرانی» هم این قضیه را قبول کرده است، اما در آن دخل و تصرف کرده و می‌نویسد: تنها به حضرت رسول اکرم متوسل شد. او اسم امیرالمؤمنین، حضرت صدیقه طاهره، امام حسن و امام حسین را از روایت حذف کرده است!!

نکته سوم ذیل آیه ۴۵ سوره مبارکه زخرف است. این آیه پیشینه ولایت را خوب برای ما بیان می‌کند:

(وَ سَأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا)

از رسولانی که قبل از تو فرستادیم بپرس.

سوره زخرف (۴۳): آیه ۴۵

فاصله نبی گرامی اسلام با آخرین پیامبر که حضرت عیسی باشد، بنا به قول شیعه ششصد سال و بنا به قول اهل سنت هفتصد سال است. پیامبرانی نبودند که رسول اکرم از آنها سؤال کند.

ما روایاتی در کتبی همانند «کافی»، «بصائر الدرجات» اثر «مرحوم صفار» و همچنین غالب کتب تفسیری اهل سنت داریم که این آیه مربوط به اسراء و معراج پیغمبر اکرم است. زمانی که پیغمبر اکرم در معراج با انبیاء الهی ملاقات داشتند، خطاب آمد:

(وَ سَأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا)

حضرت پرسید:

«علی ما بعثوا»

هدف بعثت شما چه بوده است؟

«قال: علی ولایتک و ولایة علی بن أبی طالب»

همه انبیاء گفتند: هدف ما ولایت تو و ولایت علی بن أبی طالب بود.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمائل، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن

إبن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر

بن غرامة العمری، ج ۴۲، ص ۲۴۱، ح ۹۵۱۹

در کتاب «تاریخ دمشق» اثر «ابن عساکر» که مورد اعتماد اهل سنت و همچنین در کتاب «الکشف و البیان» اثر

«ثعلبی» که مورد اعتماد اهل سنت است و «ابن تیمیه» هم تا حدودی او را قبول دارد این روایت آمده است.

همچنین از میان کتب شیعه در کتاب «کافی» اثر «شیخ کلینی» در خصوص این روایت وارد شده است:

«وَلَايَةُ عَلِيٍّ مَكْتُوبَةٌ فِي جَمِيعِ صُحُفِ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ رَسُولًا إِلَّا بِنُبُوءَةِ مُحَمَّدٍ وَ وَصِيهِ عَلِيٍّ»

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۴۳۷، ح ۶

بنابراین اینکه می‌فرماید: (وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ) افزون بر اولیت رتبی، اولیت ذاتی هم هست.

۲- حمایت و دفاع مباحثی خداوند متعال از پیامبر اسلام

نکته دوم که در این زمینه وارد شده است، این است که پیامبران گذشته در برابر اتهامات وارده، مستقیم خودشان دفاع می‌کردند، اما خداوند متعال مباحث را از رسول گرامی اسلام دفاع کرده است. خیلی شیرین و لذت بخش است! مثلاً ببینید در مورد حضرت نوح وارد شده است:

(قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ)

(ولی) اشراف قومش به او گفتند: ما تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم!

(قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَ لَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ)

گفت: ای قوم من! هیچگونه گمراهی در من نیست، ولی من فرستاده پروردگار جهانیانم.

سوره اعراف (۷): آیات ۶۰ و ۶۱

این فرمایش از قول نوح است و می‌فرماید: (قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ). این نقل قول است و قرآن کریم عبارت را

نقل می‌کنند. خداوند متعال فرمود: «قال الله ليس في نوح ضلالة»!!

و یا قوم حضرت هود به او گفتند:

(قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ)

اشراف کافر قوم او گفتند ما تو را در سفاهت (و نادانی و سبک مغزی) می بینیم و ما مسلماً تو را از دروغگویان می دانیم.

(قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ)

گفت: ای قوم من! هیچگونه سفاهتی در من نیست، ولی فرستاده‌ای از طرف پروردگار جهانیانم.

سوره اعراف (۷): آیات ۶۶ و ۶۷

اما زمانی که به رسول گرامی اسلام می‌رسد، می‌فرماید:

(وَ يَقُولُونَ أَ إِنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ)

و پیوسته می‌گفتند: آیا ما خدایان خود را به خاطر شاعر دیوانه‌ای رها کنیم؟!

سوره صافات (۳۷): آیه ۳۶

اما خداوند متعال می‌فرماید:

(وَ مَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ)

و مصاحب شما (پیامبر) دیوانه نیست.

سوره تکویر (۸۱): آیه ۲۲

خداوند دیگر اجازه نمی‌دهند که خود پیغمبر اکرم دفاع کند، بلکه خدا خود باید دفاع کند. این تفاوت نبی گرامی اسلام با دیگر پیامبران است. همچنین می‌فرمایند:

(وَ مَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلاً مَا تُؤْمِنُونَ)

و گفته شاعری نیست، اما کمتر ایمان می‌آورید.

(وَ لَا يَقُولُ كَاهِنٍ قَلِيلاً مَا تَذَكُرُونَ)

و نه گفته کاهنی، هر چند کمتر متذکر می‌شوید.

سوره الحاقه (۶۹): آیات ۴۱ و ۴۲

در جای دیگر می‌فرماید:

(مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَ مَا غَوَىٰ)

که هرگز دوست شما (محمد) منحرف نشده و مقصد را گم نکرده است.

سوره نجم (۵۳): آیه ۲

در همه جای قرآن کریم در برابر اتهاماتی که به رسول گرامی اسلام می‌زنند، خداوند عالم مستقیم از رسولش دفاع می‌کند. ولی پیامبران گذشته همگی خودشان از خودشان دفاع می‌کنند.

به عنوان مثال یک سرباز در یک مسئله ای از خودش دفاع می‌کند، اما زمانی اتفاق می‌افتد که یک فرمانده خودش از سرباز خود دفاع می‌کند. آیا این دو دفاع یکی است؟! قطعاً خیر. خیلی با هم تفاوت دارند. مشخص است سربازی که فرمانده او، در محکمه از اتهامات او دفاع می‌کند، جایگاه بالایی دارد.

۳- پیامبر اکرم، مظهر رحمت و غضب الهی

نکته سوم که بحث امروز ماست، این است که نبی گرامی اسلام؛ (رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) است. در این زمینه من حرف‌های زیادی دارم؛ به عنوان مثال نفرین‌هایی که حضرت نوح به قوم خود کرد یا نفرین‌هایی که حضرت ابراهیم کرد، اما کاری با آنها ندارم. نکته ظریف در اینجا این است که بعضی افراد از این (رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) بودن پیامبر، سوء استفاده می‌کنند؛ فرمود:

(وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)

ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

سوره انبیاء (۲۱): آیه ۱۰۷

یا فرمود:

(فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ)

از پرتو رحمت الهی در برابر آنها نرم (و مهربان) شدم.

(وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ)

و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

سوره آل عمران (۳): آیه ۱۵۹

این به این معنا نیست که نبی گرامی اسلام تنها رحمت محض است. بله، رسول گرامی اسلام در جایی که اقتضای رحمت کند، رحمت بی انتهاست و حد و حسابی برای رحمتش نیست.

و همچنین در جایی که بخواهد غضب کند و شدت به خرج بدهد، برای شدتش هم حد و حسابی نیست و کسی جلودار رسول اکرم نیست. همچنانکه در دعای افتتاح ماه مبارک رمضان می‌خوانیم:

«وَأَيَقُنْتُ أُتُّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ التَّكَالِ وَالنَّقِمَةِ»

تهذیب الأحکام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، چ ۳، ص

۱۰۸، ح ۳۸

چنین نیست که یک پیغمبر الهی تنها مظهر رحمت باشد و در برابر ناهنجاری‌ها و مشکلات و بداخلاق‌ها و قانون شکنی‌ها عکس العمل نشان ندهد و برخورد تند نداشته باشد. چنین پیغمبری به درد یک جامعه ایده آل نمی‌خورد.

از طرفی خداوند عالم می‌فرماید:

(فَإِنَّ رَبَّكُمُ لَرَّوْفٌ رَحِيمٌ)

چرا که پروردگار رعوف و رحیم است.

سوره نحل (۱۶): آیه ۴۷

یا:

(تَبَّعْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ)

بندگانم را آگاه کن که من غفور و رحیمم.

سوره حجر (۱۵): آیه ۴۹

اما از طرف دیگر می بینید که قرآن کریم می فرماید:

(وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقْرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ)

و در آن روز مجرمان را با هم در غل و زنجیر می بینی (غل و زنجیری که دستها و گردنهایشان را بهم بسته).

سوره ابراهیم (۱۴): آیه ۴۹

همچنین می فرماید:

(إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ)

مسلماناً ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت.

سوره سجده (۳۲): آیه ۲۲

مشاهده کنید که قرآن کریم در جایی که مقتضای رحمت است، می فرماید: (تَبَّعْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ). و در

جایی که کسی قانون شکنی می کند، می فرماید: (إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ)! همچنین در روایت داریم:

«كَلَّمَا أَخَذَتْ الْعِبَادُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَغْمُرُونَ أَخَذَتْ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَغْرِفُونَ»

وقتی بنده‌ای گناه تازه‌ای که عادت نداشت مرتکب می‌شود، خداوند عالم او را به بلاء ناگهانی که به ذهنش نمی‌رسد گرفتارش می‌کند.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۲۷۵، ح ۲۹

این روایت بسیار روایت عجیبی است، به طوری که می‌توان روی این روایت صدها جلسه سخنرانی برگزار کرد. روایتی دیگر وارد شده است که بسیار تکان دهنده است. خدا می‌داند بنده هرگاه این روایت را می‌خوانم، بدنم می‌لرزد.

«إِنَّ الْعَبْدَ لِيَخْبَسُ عَلَى ذَنْبٍ مِنْ ذُنُوبِهِ مِائَةَ عَامٍ»

چه بسا بنده‌ای فردای قیامت به خاطر یک گناه صد سال در جهنم حبس می‌شود.

حبس شدن یک طرف است، اما درد انتهای روایت بدتر است.

«وَإِنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى أَزْوَاجِهِ فِي الْجَنَّةِ يَتَنَعَّمْنَ»

و می‌بیند که اهل و عیال او در بهشت لذت می‌برند.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۲۷۲، ح ۱۹

درد قسمت دوم روایت، از عذاب جهنم بالاتر است! لذا امیرالمؤمنین فرمود:

«يا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَى وَ رَبِّي صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ»

إقبال الأعمال، نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۹ق؛ ج ۲، ص ۷۰۸.

فصل فیما نذکره من الدعاء و القسم علی الله جل جلاله

بعضاً در قیامت پرده کنار می‌رود و بهشتیان و جهنمیان همدیگر را می‌بینند. وقتی جهنمیان، بهشتیان را می‌بینند به آنها عرضه می‌دارند قدری از نعمت‌هایی که خداوند به شما داده است را به ما بدهید تا ما هم استفاده کنیم. بهشتیان در جواب می‌گویند: خداوند این نعمت‌ها را بر شما حرام کرده است.

(وَ نَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى

الْكَافِرِينَ)

و دوزخیان، بهشتیان را صدا می‌زنند که (محبت کنید) و مقداری آب یا از آنچه خدا به شما روزی داده به ما ببخشید، آنها (در پاسخ) می‌گویند خداوند اینها را بر کافران تحریم کرده است.

سوره اعراف (۵): آیه ۷۰

خداوند عالم این چنین است و نبی گرامی اسلام هم به همین صورت است.

(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ)

محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.

سوره فتح (۴۸): آیه ۲۹

نبی گرامی اسلام و تابعین آن حضرت در میان خودشان مایه رحمت و رأفت هستند، اما در برابر کفار با شدت برخورد می‌کنند.

(وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)

رسول مکرم اسلام برای عالمین اعم از کافر و مشرک و منافق و مؤمن در جایی که اقتضای رحمت دارد، مایه رحمت هستند. اگر فردی چه مؤمن چه مشرک و چه کافر از حد گذراند، حضرت با او به تندی برخورد می‌کنند!

«مرحوم نوری» در کتاب «مستدرک الوسائل» نقل می‌کند که یکی از زنان صحابه سرقت کرده بود و رسول الله دستور دادند که دست او باید بریده شود.

صحابه خدمت حضرت عرضه داشتند: یا رسول الله! این زن از اشراف است و آنها از قبیله بسیار بزرگی هستند. بریدن دست او برای مسلمین گران تمام می‌شود. شما او را عفو کنید. رسول الله فرمود: او مرتکب دزدی شده است و دستور الله چنین است:

(وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ)

دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده‌اند به عنوان یک مجازات الهی قطع کنید.

سوره مائده (۵): آیه ۳۸

فرقی نمی‌کند اشراف باشد یا غیر اشراف باشد. حضرت در ادامه فرمودند: خداوند عالم اقوام گذشته را هلاک کرد، زیرا حدود الهی را در حق ضعفا پیاده می‌کردند و در حق شرفا ترک می‌کردند.

«سَرَقَتْ امْرَأَةٌ مِنْ قُرَيْشٍ مِنْ بَنِي مَخْزُومٍ فَأَتَى بِهَا النَّبِيُّ ﷺ فَقَالُوا مِنْ يُكَلِّمُهُ فِيهَا قَالُوا أُسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ فَأَتَاهُ فَكَلَّمَهُ فَزَبَّرَهُ وَقَالَ إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكَوهُ وَإِذَا سَرَقَ الْوَضِيعُ قَطَعُوهُ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتُ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُهَا»

السنن الكبرى، اسم المؤلف: أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ - ١٩٩١، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. عبد الغفار سليمان البنداري، سيد كسروي حسن؛ ج ٤، ص ٣٣٣، ح ٧٣٨٧

چنین نیست که نبی گرامی اسلام در همه جا با رأفت و رحمت برخورد کند. قرآن کریم می فرماید:

(وَإِنْ جُنْحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْتَنِّ لَهَا)

و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح در.

سوره انفال (٨): آیه ٦١

آیا پیامبر با قبایل پیمان شکن، دوباره مذاکره کردند؟

خداوند متعال به رسول گرامی اسلام می فرماید که اگر قبائل آمدند و خواستند با تو پیمان عهد و دوستی ببندند، شما هم با آنها عهد و پیمان ببند. از طرف دیگر می فرماید:

(وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَأَبْذُ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِبِينَ)

و هر گاه (با ظهور نشانه‌هایی) از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته حمله غافلگیرانه کنند) به طور عادلانه به آنها اعلام کن (که پیمانشان لغو شده است) زیرا خداوند خائنان را دوست نمی دارد.

سوره انفال (۸): آیه ۵۸

قرآن کریم نمی‌فرماید که خیانت به وقوع پیوست، بلکه می‌فرماید اگر احساس کردی که آنها در مقام خیانت هستند باید همان خیانت را در برابر آنها داشته باشی. اگر آنها به دنبال عهد شکنی هستند، بلافاصله به آنها بگو که ما هم از این پیمان خارج شدیم.

وقتی مشاهده کردید که آنها عذر و بهانه می‌تراشند، شما هم در برابرشان عکس العمل نشان دهید. دستور قرآن کریم چنین است که می‌فرماید:

(الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَ هُمْ لَا يَتَّقُونَ)

کسانی که با آنها پیمان بستی سپس هر بار عهد خود را می‌شکنند و (از پیمان شکنی و خیانت) پرهیز ندارند.

سوره انفال (۸): آیه ۵۶

حال بنده عرض خواهم کرد که **(فِي كُلِّ مَرَّةٍ)** قضیه شأنی است و وقوع خارجی ندارد. «مرحوم طبرسی»، «شیخ طوسی» و دیگران مطالبی در این زمینه دارند. «مرحوم علامه» در «تفسیر المیزان» در رابطه با **(فِي كُلِّ مَرَّةٍ)** غوغا به پا کرده است.

این قضیه امروز مورد سوء استفاده بعضی افراد قرار گرفته است که می‌گویند پیغمبر اکرم با مشرکین و کفار پیمان می‌بست، وقتی آنها پیمان می‌شکستند، پیامبر بازهم پیمان می‌بست. این مسائل دروغ محض و افترا و بهتان به رسول گرامی اسلام است.

این مسئله در حقیقت انکار یک واقعیت تاریخی و اثبات یک مسئله دروغ است. من دیروز در سخنرانی قبل از خطبه‌های نماز جمعه در قم گفتم: یک آیه و روایت به ما نشان بدهید که پیغمبر اکرم با مشرکین پیمان بسته باشد، مشرکین پیمان شکستند و پیغمبر بازهم مذاکره کرده باشد!! یک مورد به ما نشان بدهید!

در قضیه قریش در صلح حدیبیه، پیغمبر اکرم با مشرکین پیمان بست. مشرکین یک مورد کوچک از پیمان را نقض کردند. شما تاریخ را مراجعه بفرمائید. نه اینکه آنها با مسلمانان مدینه و پیغمبر اکرم پیمان را نقض کنند؛ نه! قضیه از این قرار بود که قبیله‌ای به نام «بنی خزاعه» در اطراف مدینه سکونت داشتند که با پیغمبر اکرم هم پیمان بودند و پیمان بسته بودند که از همدیگر دفاع کنند. قبیله دیگری هم از یهود به نام «بنی بکر» بودند که با قریش هم پیمان بودند.

دو قبیله «بنی خزاعه» و «بنی بکر» با همدیگر درگیر شدند. «قریش» به کمک «بنی بکر» از مکه نیرو فرستاد و تعدادی از جوانان «بنی خزاعه» را کشتند. نبی گرامی اسلام به مجرد اینکه متوجه این قضیه شد، دستور بسیج عمومی و تهیه یک لشکر ده هزار نفری را داد.

ابوسفیان شنید، خود را باخت و برای عذرخواهی به مدینه آمد و به منزل دختر خود «أم حبیبه» همسر پیغمبر اکرم رفت. مشاهده کنید «أم حبیبه» چقدر پدر خود را تحقیر کرد. ابوسفیان روی تشکی که در اتاق بود نشست. «أم حبیبه» گفت: پدر به این سمت بیا. تشکی که روی آن نشستید متعلق به پیغمبر اکرم است. تو نجس هستی و حق نشستن روی تشک پیغمبر را نداری!

ابوسفیان هرچه به پیغمبر اکرم التماس کرد و عرضه داشت: "یا رسول الله! ما اشتباه کردیم و دیگر از این کارها نمی‌کنیم"، پیغمبر اکرم قبول نکرد و فرمود: خیر؛ اگر شما عهد شکستید به معنای این است که بعدها هم عهد خواهید شکست. قرآن که می‌فرماید:

(ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ)

تمامی مفسرین اهل سنت بر این عقیده هستند که در اینجا مضارع به معنای ماضی است. یعنی اگر یک مورد عهد شکستید، به این معناست که در موردهای بعد هم عهد خواهید شکست. نبی گرامی اسلام این عذرخواهی را قبول نکرد و آنها در مکه با ذلت مسلمان شدند.

ما شاید نزدیک به صد مورد از این موارد داشته باشیم. در بعضی از موارد آمده است که رسول گرامی اسلام رأفت‌هایی از باب رحمة للعالمینی نشان دادند.

زمانی که نبی گرامی اسلام به مدینه آمد، شاید بیش از بیست قبیله یهود در مدینه و اطراف مدینه بودند. رسول الله با همه آنها پیمان بست که آنها حق ندارند به مسلمانان اذیت و آزار برسانند و مسلمانان هم در مقابل، نباید آنها را اذیت کنند.

در مفاد عهدنامه آمده بود که قبایل یهود حق ندارند مسلمانان را کمک اقتصادی و نظامی کنند. در مقابل مسلمانان هم، دشمنان آنها را کمک نخواهند کرد.

با توجه به این موارد، یهود در قضیه جنگ احزاب پیمان شکستند. همه مردم جمع شدند و لشکری بیش از بیست و پنج هزار نفر آوردند. لذا یهودیها گفتند که کار مسلمانان تمام است و تمام یهود که در رأس آنها قبیله «بنی قینقاع»، «بنی نضیر» و «بنی قریظه» بودند حضور داشتند.

نبی مکرم بعد از قضیه احزاب به آنها اعلام کرد که پیمان ما با شما تمام است. حضرت ابتدا به خیبر آمد و فرمود که شما پیمان شکستید. سپاه اسلام بیست یا سی روز آنها را محاصره کردند و در نهایت آنها راضی شدند که یک بار شتر بردارند و از محلشان بروند.

بعد از رفتن آنها تمام اموالشان به مسلمانان تعلق گرفت و کار عاقلانه‌ای هم کردند. آن‌ها عاقلانه رفتند و جنگی هم با پیغمبر اکرم نکردند، اما بنی قریظه این کار را نکردند. پیغمبر اکرم طبق معاهده‌ای که داشت، می‌توانست مردان یهودیان خیبر را بکشد و زنانشان را به اسارت بگیرد که مورد عفو قرار گرفتند.

«وحشی» قاتل حضرت حمزه که قلب پیغمبر اکرم را به درد آورده بود، با گروهی که از سقیفه خدمت پیغمبر اکرم آمدند همراه شد و یک مرتبه شهادتین گفت و تقاضای عفو کرد. رسول الله او را عفو کرد ولی به او دستور داد که به جای دیگر برود تا جلوی چشم حضرت نباشد.

«حبار بن أسود» اسب زینب دختر پیغمبر اکرم را رم داد، فرزندش سقط شد و خود زینب هم به همان بیماری از دنیا رفت. او خدمت رسول الله آمد و عرضه داشت: یا رسول الله! من می‌خواستم به عجم پناهنده شوم، اما وقتی کرم و بخشش تو را شنیدم نزد تو آمدم. پیغمبر اکرم هم او را بخشید.

«عکرمه بن اَبی جهل» در جنگ بدر و احد و خندق مشارکت داشت. او به واسطه «أم حکیم» همسر پیغمبر اکرم تقاضای عفو کرد.

آیا پیامبر اکرم همه اسرای جنگی را عفو کردند؟!

ما از این موارد زیاد داریم که نبی گرامی اسلام با تعدادی از افرادی که پرونده جنایت سنگین دارند، برخورد کرده و آنها را بخشیده است. این موارد عمومی نیست و ما از طرف دیگر موارد زیادی هم داریم که رسول الله آنها را نبخشیدند.

به عنوان مثال «معاویة بن مغیره» کسی بود که در جنگ احد حضرت حمزه را مثله کرد. او بینی حضرت را برید و با خود برد. رسول الله به «عمار» و «زید بن حارثه» دستور داد و آنها او را کشتند. او جزو کسانی بود که رسول الله در قضیه مکه فرمود: "این افراد اگر از پرده کعبه هم آویزان شوند، مهدور الدم هستند."

«عقبة بن ابي معیط» کسی بود که روزی در مکه عبای پیغمبر اکرم را به گلویش پیچید و تا نزدیک زانویش کشید و نزدیک بود که حضرت خفه شود، اما بعضی از مسلمانان عبای حضرت را از دست او گرفتند. حضرت دستور قتل او را داد و امیرالمؤمنین او را کشتند.

ما افرادی حدود ۳۰ نفر داریم که هرچه افراد واسطه شدند تا نبی گرامی اسلام آنها را ببخشد، حضرت قبول نکردند و فرمودند: من به هیچ وجه آنها را نخواهم بخشید. ما نباید از یک منظر به قضیه نگاه کنیم. همانطور که در دعا آمده است:

«وَأَيُّقُنْتُ أَنَّكَ أَزْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ التُّكَالِ وَالنَّقِمَةِ»

رسول الله همین روش را داشتند. نبی گرامی اسلام به واسطه اتفاقات عادی یا با استفاده از علمی که دارند، می دانند که این شخص قابل اصلاح نیست و به همین خاطر دستور قتل او را می دهند.

گاهی اوقات نبی گرامی اسلام احساس می‌کنند که این شخص واقعاً قابل اصلاح هست و به همین خاطر او را می‌بخشند.

نقل شده است روزی «مالک اشتر» با حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در جنگ صفین شوخی می‌کردند. «مالک» گفت: یا امیرالمؤمنین! تو امشب هفتاد نفر را کشتی و من هم هفتاد نفر را کشتم. فرق من که غلام شما هستم با شما چیست؟

حضرت فرمود: تو تمام مخالفین را از دم کشتی، اما من اگر می‌خواستم کسی را بکشم می‌دیدم اگر در نسل او یک مؤمن یا مدینی قرار دارد، او را از لبه شمشیر رد می‌کردم و نمی‌کشتم. این تفاوت من و توست!

نبی گرامی اسلام هم افرادی که در آینده امکان صلاحیت دارد را می‌بخشد، اما اگر در آینده امکان صلاحیت ندارد او را می‌کشد. این دستور پیغمبر اکرم است. خداوند عالم این اختیار را به پیغمبر خود داده است. قرآن در رابطه با مشرکین می‌فرماید:

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَهُمْ شَيْئاً وَ لَمْ يَظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحِداً فَأَتُوا إِلَيْهِمْ وَعْهَدُوا إِلَيْكُمْ فَهُمْ مَأْمُونُونَ
مُدَّتِهِمْ

مگر کسانی از مشرکان که با آنها عهد بستید و چیزی از آن فروگذار نکردند و احدی را بر ضد شما تقویت ننمودند، پیمان آنها را تا پایان مدتشان محترم بشمرید.

سوره توبه (۹): آیه ۴

آن دسته از مشرکین که پیمان شکنی نکردند، شما در مدت پیمان خود با آنها هم پیمان باشید. بعد از مدت پیمان، اگر خواستند تجدید پیمان کنند، بحث دیگری است.

(وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَتِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ)

و اگر پیمانهای خود را پس از عهد خویش بشکنند و آئین شما را مورد طعن قرار دهند با پیشوایان کفر پیکار کنید چرا که آنها پیمانی ندارند، شاید دست بردارند.

سوره توبه (۹): آیه ۱۲

این آیه در رابطه با قریش است و به این معناست که وقتی آنها پیمان می‌شکنند و عهدشکنی می‌کنند و از پیمان خارج می‌شوند تا رسول اکرم دومرتبه با آنها پیمان ببندد، یک مورد در تاریخ زندگی رسول الله با سند ضعیف سراغ نداریم!!

کاملاً مشخص است که نبی گرامی اسلام با این افراد چطور عهد و پیمان می‌بستند. آیات ۵۶ و ۵۷ سوره مبارکه انفال به قدری زیبا و عالی است که انسان مبهوت می‌ماند.

آقایانی که حریت و فارغ التحصیل حوزه علمیه و فرزند حوزه هستند، اگر روایات را نمی‌خوانند حداقل قرآن کریم را مطالعه کنید. در سوره انفال آمده است:

(الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَ هُمْ لَا يَتَّقُونَ)

کسانی که با آنها پیمان بستی سپس هر بار عهد خود را می‌شکنند و (از پیمان شکنی و خیانت) پرهیز ندارند.

(فَمَا تَتَقَفَّتْهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرَّدُ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ)

اگر آنها را در (میدان) جنگ بیابی آن چنان به آنها حمله کن که جمعیت‌هایی که پشت سر آنها هستند پراکنده شوند، شاید متذکر گردند (و عبرت گیرند).

سوره انفال (۸): آیات ۵۶ و ۵۷

مصدق بارز این آیات یهود بنی قریظه است. البته در رابطه با بنی قریظه اهل سنت بعضی روایاتی دارند. «مرحوم شیخ طوسی» و «مجمع البیان» هم به صورت «قیل» می‌آورند.

ماجرای قتل عام یهودیان بنی قریظه به دستور پیامبر!

در قضیه جنگ بدر وقتی بنی قریظه مشرکین را کمک کردند، خدمت نبی گرامی اسلام آمدند و عرضه داشتند:

«انا نسينا و اخطانا»

ما عهد و پیمان خود را فراموش کرده بودیم و پشیمان شدیم.

آن‌ها اظهار عجز کردند و درخواست نکردند که ما تجدید بیعت و تجدید پیمان کنیم یا اینکه درخواست کنند که دوباره با یکدیگر مذاکره کنیم. رسول گرامی اسلام به خاطر صفت «رحمة للعالمینی» خود، یک مورد را به بنی قریظه بخشید.

در مقابل در جنگ احزاب که این افراد پیمان شکستند، رسول اکرم دستور می‌دهد این افراد را در میدان جنگ آنچنان تارومار کنید که عبرت دیگران باشد. این افراد را محاصره کردند و درخواست داور کردند.

«سعد بن معاذ» که خود از قبیله بنی قریظه بود، رفت و سپاهیان پیغمبر اکرم به دآوری «معاذ» راضی شدند.

«معاذ» گفت: در کتاب خود ما تورات آمده است که اگر کسی پیمان شکنی کند، مردانشان کشته می‌شوند و زنانشان اسیر و اموالشان به عنوان غنائم جنگی مصادره می‌شوند.

همگان در برابر این داوری تسلیم شدند. البته عزیزان دقت کنند در بعضی از روایات آمده است آن دسته از مردان بنی قریظه که در جنگ احزاب حضور داشتند و جنایت جنگی مرتکب شده بودند کشته شدند، نه تمام مردانشان.

به بیان دیگر کسانی که، هم عهد شکنی کرده بودند و اضافه بر آن در جنگ احزاب حضور نظامی داشتند، کشته شدند. بنابراین رسول گرامی اسلام دستور داد با توجه به آنچه «معاذ» داوری کرده بود آنها را از دم شمشیر گذرانند و زنانشان هم اسیر شد.

پیغمبر اکرم دستور داد تنها یکی از زنان که از بالا، سنگ پرتاب کرده بود و یکی از صحابه را کشته بود، کشته شود و نباید اسیر شود.

بنده خواستم خدمت عزیزان عرض کنم اینکه هر روز چیزی تحریف می‌کنند و هر روز امام زمان، خداوند متعال، پیغمبر اکرم، قرآن کریم قابل نقد است و ادعا می‌کنند که پیغمبر اکرم بعد از چندین بار عهدشکنی مذاکره کرده است، و... نزد شیعه و سنی صحت ندارد.

تأسف ما این است که چرا حوزه علمیه ساکت باشد! بنده عرض کردم که حوزه علمیه نباید در برابر چنین تحریف آشکاری سکوت کند. البته شاید منتظر فرصت هستند تا همانند قضیه توهینی که به حضرت ولی عصر کردند، عذرخواهی کنند یا توجیه معقولی بیاورند. قطعاً می‌دانم که حوزه علمیه ساکت نخواهد نشست.

بنابراین من خواستم این قضیه را خدمت عزیزان بیان کنم که نسبت به رسول گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) چنین تحریفاتی بیان شده است.

پرسشها و پاسخ ها

اگر دوستان سؤالی در این زمینه دارند، بفرمایند.

پرسش:

در روایت آمده است درباره اصلاح با کسی که با تو قطع رابطه کرده! حدودش چیست؟

پاسخ:

آن بحث اخلاقی است با این مضمون که اگر یکی از مؤمنین با تو قطع رابطه کرد، با او قطع رابطه نکن.

این اخلاق اسلامی است که به عنوان مثال هرگاه برادر، پدر یا پسرعموی شما با شما قطع رابطه می‌کند، شما با او قطع رابطه نکن.

همچنین اگر کسی به شما فحش می‌دهد، شما به او فحش ندهید و بگویید اگر هزار فحش بدهی، یک فحش نخواهی شنید. این مسائل اخلاقی است و در مسائل نظامی و سیاسی معنایی ندارد. سؤال بعد را بفرمایید.

پرسش:

مسائل اخلاقی نهایت ندارد؟

پاسخ:

در آنجا هم فرق می‌کند. امیرالمؤمنین در خطبه «همام» می‌فرماید:

«بُعْدُهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَ نَزَاهَةٌ»

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۰۶، خ ۱۹۳

حضرت معتقد نیست که با همگان رابطه داشته باشد و تشخیص می‌دهد که با بعضی افراد قطع رابطه کند، اما قطع رابطه از روی عداوت نیست، بلکه از روی زهد و نزاهت است. حضرت با کسی قطع رابطه می‌کند که او را متوجه کند که کار تو اشتباه است.

پرسش: (شاخصه های ولایت مداری در آیات و روایات چیست؟)

شاخصه ولایت مداری در آیات و روایات چیست؟

پاسخ:

آیه ۶ از سوره مبارکه احزاب می‌فرماید:

(النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)

پیامبر نسبت به مؤمنان از خود آنها اولی است.

سوره احزاب (۳۳): آیه ۶

پیغمبر اکرم بر مؤمنین اولویت دارند و ولایتشان از ولایت مؤمنین بر خودشان بالاتر است. نبی گرامی اسلام در غدیر آنچه از ولایت برای خودشان بوده است را بر امیرالمؤمنین تفویض فرمودند. ائمه اطهار ولایتشان بر بنده و جنابعالی، از بنده و جنابعالی بیشتر است.

شاید بعضی از عزیزان باشند که ما نتوانیم میدان بگیریم. من بعضی از مطالب را می گویم، اما آنها را ترجمه نمی‌کنم. ولایت بحث خوب و شیرینی است و بزرگان و اساتید معمولاً در حوزه علمیه از این بحث فاصله دارند که من دلیل آن را نمی‌دانم.

در قضیه زیارت جامعه کبیره همه بزرگان گفتند این زیارت از زیاراتی است که معتبر است و مشکلی ندارد. در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

«بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يَنْزِلُ الْغَيْثُ وَ بِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يَنْفُسُ الْهَمِّ وَ يَكْشِفُ الضُّرَّ»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۶۱۵،

ح ۳۲۱۳

مشکلاتی که قرار است برای انسان حل شود، خداوند عالم آن را در اختیار ائمه اطهار قرار داده است که این هم منافاتی با اختیار خداوند ندارد. خداوند عالم در یک جا می‌فرماید:

(اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا)

خداوند ارواح را به هنگام "مرگ" قبض می‌کند.

سوره زمر (۳۹): آیه ۴۲

همو در جای دیگر می‌فرماید:

(قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ)

بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده (روح) شما را می‌گیرد.

سوره سجده (۳۲): آیه ۱۱

همچنان که در اینجا وارد شده است عزرائیل می‌میراند. بنابراین این دو با همدیگر منافات دارند؟ خیر!! اگر در مورد عزرائیل (يَتَوَفَّاكُم) آمده است، با (وَكَلَّ بِكُمْ) همراه است. او از طرف خداوند عالم مأمور این کار است. ما از یک طرف می‌گوییم:

«وَإِبَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۶۱۲،

ح ۳۲۱۳

نستجیر بالله فردای قیامت خداوند عالم به صورت یک انسان نمی‌آید از من و شما حسابرسی کند. خداوند عالم یک سری بندگان و مأمورانی دارد که آنها به نیابت و به امر الهی از ما حساب می‌کشند.

من از عزیزان تقاضا دارم امشب که به اتاقشان تشریف می‌برند، مفاتیح را باز کنند. زیارت امام حسین دو دسته است؛ یک زیارت مخصوصه دارد که اعم از زیارت عاشورا، زیارت روز مبعث و زیارت نیمه شعبان است. دسته دیگر، زیارت مطلقه است.

«محدث قمی» در باب زیارت مطلقه شش یا هفت زیارت آورده است. در اولین زیارت مطلقه‌ای که «مرحوم محدث قمی» آورده است، امام صادق (علیه السلام) یک دنیا ولایت مداری را آورده است. «شیخ صدوق» می‌گوید:

«لِأَنَّهَا أَصْحُ الزِّيَارَاتِ عِنْدِي مِنْ طَرِيقِ الرَّوَايَةِ وَ فِيهَا بَلَاغٌ وَ كَفَايَةٌ»

من لا يحضره الفقيه، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص

۵۹۸، ح ۳۲۰۰

امام خمینی تعبیری دارند و می‌نویسد: بعضی از معارف هست که سنگین است. ائمه اطهار نتوانستند آنها را در قالب روایات بیان کنند، به همین خاطر در قالب دعا و زیارات آوردند. به عنوان مثال در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

«مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ»

تا جایی که حضرت می‌فرماید:

«بِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا وَ بِكُمْ تُخْرِجُ الْأَرْضُ [الْأَشْجَارَ] أَثْمَارَهَا»

بیت القصیر این زیارت در اینجاست که می‌فرماید:

«إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ»

کامل زیارات، نویسنده: ابن قولویه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امینی، عبد الحسین، ص ۲۰۰، ح ۲

این قسمت دیگر «وَ فِيهَا بَلَاغٌ وَ كَفَايَةٌ» است. ارادة الله بر اداره عالم هستی به قلب ائمه اطهار وارد می‌شود و از آنها خارج می‌شود. در روایت دیگر وارد شده است:

«قُلُوبَ الْأَئِمَّةِ مَوْرِدًا لِإِرَادَتِهِ»

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، نویسنده: صفار، محمد بن حسن، محقق / مصحح:

کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، ج ۱، ص ۵۱۷، ح ۴۷

در روایت دیگر آمده است:

«إِنَّ الْإِمَامَ وَكَرَّ لِإِزَادَةِ اللَّهِ عَزُّ وَجَلَّ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۲۵، ص

۳۸۵، ح ۴۱

امام خمینی تعبیری دارد که، هم آن را در دعای سحر در چند جا آورده است و هم در «مصباح الهدایة» آورده است و هم در «اسرار الصلاة» آورده است. حدیث مشیت حدیثی تقریباً متواتر است؛ فرمود:

«خَلَقَ اللَّهُ الْمَشِيئَةَ بِنَفْسِهَا ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ بِالْمَشِيئَةِ»

الكافي (ط - الإسلامية)، كلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ناشر: دار الكتب الإسلامية، ج ۱، ص ۱۱۰، ح ۴

خداوند تمام عالم هستی را با مشیت و اراده خود آفرید، اما این اراده و مشیت خود را مستقیم آفرید. امام صادق فرمود:

«نحن مشیة الله»

مستدرک سفینه البحار؛ المؤلف: العلامة آية الله الشيخ علي النمازي؛ ج ۶، ص ۹۹، باب القضاء والقدر

والمشيئة

شاید اگر مبالغه نکنم این دو مسئله را بیش از سی بار در فرمایشات امام خمینی آوردند. اگر شما شرح دعای سحر:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيئِكَ بِأَمْضَاهَا وَ كُلِّ مَشِيئِكَ مَاضِيَةٍ»

إقبال الأعمال، نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، ج ۱، ص ۳۴، فصل فیما نذکره من ترتیب نافله شهر

رمضان بعد العشاء الآخرة و ادعیته فی کل لیلۃ

امام در آنجا غوغا به پا کردند و آنچه دیگران نگفتند را بیان فرمودند و گفتند که مراد از «مشیه الله» چیست.

همچنین در کتاب «مصباح الهدایة» صفحه ۱۲۲ از استادشان «مرحوم قمشهای» نقل می‌کنند:

«فالحقیقة المحمّدیة هی التي تجلّت فی صورة العالم والعالم من الذرّة إلى الذرّة ظهورها وتجلّیها»

مصباح الهدایة الی الخلافة والولایة؛ مؤلف: حضرت امام خمینی، مقدمه از: استاد سید جلال الدین آشتیانی،

ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ششم، ص ۵۷

یعنی تمام عالم هستی، آئینه تمام نمای سلسله جلیله محمدیین هست، لا غیر! حال اقوال علما را می‌گویند که

تقاضا دارم این مطلب را از من یادگاری داشته باشید. «علامه حلی» می‌نویسد:

«أن إرادة النبی موافقة لإرادة الله تعالی»

نهج الحقّ و كشف الصدق، نویسنده: علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، ص ۱۰۰، المطلب التاسع فی أن

إرادة النبی ص موافقة لإرادة الله تعالی

«شیخ انصاری» می‌نویسد:

«أنَّ للإمام عليه السلام سلطنة مطلقة على الرعية من قبل الله تعالى»

کتاب المکاسب المحرمة و البیع و الخیارات، نویسنده: دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، چ ۳، ص

۵۴۸، باب الاستدلال بالإجماع و العقل

هیچ قیدی هم ندارد. این سلطنت، هم در عالم تکوین است و هم در عالم تشریح است. «صاحب کفایة» می نویسد:

«فإنهم وسائط نعمه وآلائه»

کفایة الأصول، نویسنده: الآخوند الخراسانی، ص ۳۳۰، فصل إنما الثابت بمقدمات دلیل الانسداد فی الاحکام

هو حجية الظن فیها

«شیخ محمد حسین اصفهانی» معروف به «کمپانی» مطلبی در این زمینه دارد. «مرحوم شاه آقا بزرگ تهرانی» در

مورد ایشان می نویسد: فهمیدن کلمات ایشان از کفایه عمیقتر و پیچیدهتر است. ایشان می نویسد:

«لهم الولاية المعنوية و السلطنة الباطنية على جميع الأمور التكوينية و التشريعية»

ائمه اطهار ولایت معنوی و سلطنت باطنی بر تمام امور تکوین و تشریح دارند.

حاشیة کتاب المکاسب، نویسنده: اصفهانی، محمد حسین کمپانی، ج ۲، ص ۳۷۹، ح ۳۳۷

آیا ایشان دیگر چیزی باقی گذاشت؟ ولایت مداری به این معناست. «مرحوم نائینی» و «مرحوم میلانی» هم

مطالبی در این زمینه دارند. آیت الله العظمی خوئی خیلی واضح با یک ادبیات عوامانه می نویسد:

« لا شبهة في ولايتهم على المخلوق بأجمعهم »

شبهه‌ای نیست که ائمه اطهار بر تمام مخلوق ولایت دارند.

ایشان نمی‌گویند بر انسان، بلکه می‌نویسند بر جمیع مخلوقات ولایت دارند.

« لاشبهة في ولايتهم على المخلوق باجمعهم كما يظهر من الاخبار لكونهم واسطة في اليجاد وبهم الوجود، و هم السبب في الخلق، إذ لولاهم لما خلق الناس كلهم وانما خلقوا لاجلهم وبهم وجودهم وهم الواسطة في افاضة، بل لهم الولاية التكوينية لمادون الخالق »

مصباح الفقاهة من تقرير بحث الاستاذ الاكبر آية الله العظمى الحاج السيد أبو القاسم الموسوي الخوئي
دامت افاضاته لمؤلفه الميرزا محمد علي التوحيدي التبريزي، المطبعة الحيدرية النجف ۱۳۷۴ هـ ۱۹۵۴ م، ج ۶،

ص ۳۶

اگر این امام شناسی و ولایت مداری است، ما باید قدری در اعتقادات خود تجدید نظر کنیم. بعضی افراد در مورد ولایت تشریحی ادعا می‌کنند که آیا ائمه اطهار ولایت تشریحی داشتند یا نداشتند؟! آیا این باعث شرکت در وحی نمی‌شود؟ با قطع وحی منافات ندارد!؟

این افراد اصلاً الفبای امامت را نفهمیدند. مقام معظم رهبری در خصوص ائمه اطهار تعبیری دارند و می‌گویند: ائمه اطهار را شما یک انسان دویست و پنجاه ساله تصور کنید. یک مرتبه موقعیت اقتضا می‌کند که صلح کند و این امام صلح می‌کند. یک مرتبه مقتضای امام قیام است. یک مرتبه مقتضای امام این است که در زندان باشد. یک مرتبه مقتضای امام در مناظره کردن است.

امام یک وجودی است که با توجه به مقتضیات زمان از خود وظیفه‌ای را ارائه می‌دهد. بنابراین ما در روایت داریم:

«أَوْلْنَا مُحَمَّدًا وَآخِرْنَا مُحَمَّدًا وَ أَوْسَطْنَا مُحَمَّدًا وَ كُلُّنَا مُحَمَّدٌ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۲۶، ص ۶،

ح ۱

عبارتی از امام خمینی وارد شده است که قدری پیچیده است. امام خمینی این روایت را ذیل حدیث رضوی آورده است.

«فهم من قبل الله ملاک التصرف فی کلّ شیء»

ائمه اطهار از طرف خداوند در همه چیز تصرف دارند.

قرآن کریم می‌فرماید:

(اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ)

خدا خالق همه چیز است.

سوره رعد (۱۳): آیه ۱۶

«ملاک التصرف فی کلّ شیء» به این معناست که آنچه از ذهن من می‌گذرد هم، «شیء» است. امام حتی در چیزی

که از ذهن من هم می‌گذرد، مالک است!

حتماً آقایان شنیده‌اند که «احمد بن ابی نصر بزنی» نقل می‌کند: خدمت امام رضا بودیم و سؤالاتی داشتیم.

همراهانم رفتیم، اما من وقتی می‌خواستم بروم شب شده بود. امام رضا فرمود: امشب مهمان ما باش و در منزل ما

بخواب.

من هم که دنبال چنین موقعیتی بودم، پذیرفتم. حضرت به غلام خود دستور داد در اتاقی که هرشب خودم می‌خوابم و در رختخواب اختصاصی من «احمد بن ابی نصر بزندی» را بخوابانید.

حتماً می‌دانید «احمد بن ابی نصر بزندی» یکی از اجلاء اصحاب امام رضا و امام جواد است. ایشان هم جزو اصحاب اجماع و هم جزو مشایخ الثقات است. ایشان جزو کسانی است که در وثاقت او هیچ شک و شبهه‌ای نیست.

اگر از دیگر راویان روایتی نقل شود باید بررسی کنیم، اما اگر «احمد بن ابی نصر بزندی» روایتی مرسل هم نقل کند فقهای ما طبق روایت او فتوا می‌دهند.

«احمد بن ابی نصر بزندی» می‌گوید: از خوشحالی در تاریکی شب در پوست خود نمی‌گنجیدم، زیرا که خداوند سعادت بزرگی نصیب من کرده است. در منزل امام زمان و در اتاق و رختخواب اختصاصی امام زمان خوابیده‌ام. اصلاً خوابم نمی‌برد و دائماً از این پهلو به آن پهلو می‌غلتیدم که یک مرتبه امام رضا در را باز کردند و فرمودند: احمد! خوابیدن در خانه امام شرافت نیست؛

(إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ)

گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.

سوره حجرات (۴۹): آیه ۱۳

یک مرتبه دیدم امام از آنچه در اتاق تاریک در رختخواب از زاویه ذهن من هم گذشت، بی‌خبر نیست و آمد تا به من درسی بدهد.

لذا امام خمینی (ره) فرمود:

« فهم من قبل الله ملاك التصرف في كل شيء، وإن كانت الأموال لصاحبها، وهذه ولاية عامة كلية بالنسبة إلى

جميع الموجودات»

کتاب البیع، نویسنده: السید الخمینی، ج ۳، ص ۲۱، باب حکم بیع الأراضی المفتوحة عنوة

ایشان بحث دیگری دارند که خیلی طولانی است. بنده تنها جمله‌ای هم از آیت الله العظمی خوئی بیاورم که در مورد ولایت تشریحی است.

فرمایش ایشان فصل الخطاب است، زیرا ایشان کسی است که همگان او را قبول دارند و شاگردانشان امروز مراجع معاصر ما هستند. ایشان می‌نویسند:

«وكونهم أولى بالتصرف في أموال الناس ورقابهم، بتطبيق زوجتهم وبيع أموالهم وغير ذلك من التصرفات.

ويدل على ذلك قوله تعالى: النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم، فإن الظاهر من الأولوية الأولوية في التصرف

وكونهم وليا لهم في ذلك لا بمعنى آخر، وقوله تعالى: إنما وليكم الله ورسوله، ومعنى الأولى بالتصرف ليس

هو جواز تصرفهم بغير الأسباب المعدة لذلك ومباشرتهم على غير النسق الذي يباشر المالك على هذا

النسق، بل معناه كونهم أولى في التصرف بالأسباب المعينة ومباشرتهم بالأسباب التي يباشر بها الملاك، بأن

يطلق الإمام زوجة شخص ثم يزوجه بعقد النكاح إما لنفسه أو لغيره»

ولایت تشریحی این است و آن ولایت تکوینی است. ولایت مداری به این معناست. نظر امام خمینی در شخص

«فقیه» هم همین است که همان ولایتی که امام به صورت مطلق مخصوصاً در حوزه تشریح دارد، تمام آن ولایات،

برای فقیه هم ثابت است بدون کوچکترین اشکال.

همانطور که امام «یطلق الإمام زوجة شخص ثم يزوجها بعقد النكاح إما لنفسه أو لغيره» فقيه هم اینچنین است. ایشان در ادامه می‌نویسد:

«هذا ثابت بالروایات المتواترة»

مصباح الفقه، نویسنده: السید الخوئی، ج ۳، ص ۲۸۴، باب ۴ - فی ولایتهم (علیهم السلام) التشریعیة

دیگر گمانم کفایت می‌کند. در خانه اگر کس است، یک حرف بس است! من از عزیزان تقاضا دارم در این زمینه مطالعه بیشتری داشته باشند و قدری بیشتر نسبت به کتاب «مصباح الهدایة» و «شرح دعای سحر» مباحثه کنند. بنده اگر بگویم «شرح دعای سحر» اثر امام خمینی را هفتاد بار مطالعه کردم، مبالغه نکردم. بنده به گمانم بعضی از قسمت‌های «اسرار الصلاة» اثر امام خمینی را بیش از پانصد بار مطالعه کردم.

بنده قبل از نماز وقتی دو یا سه صفحه از «پرواز در ملکوت» اثر امام خمینی که با شرح آقای «فهری» است مطالعه می‌کنم، چند روز نمازم روح دیگری پیدا می‌کند.

ما روی ارادتی که به این بزرگوار داشتیم، وقتی فرمایشات امام را مطالعه می‌کنم خدا را شاهد می‌گیرم و قسم به حضرت صدیقه طاهره احساس می‌کنم امام خمینی اینجا نشسته و مباشرتا با من صحبت می‌کنند.

چیزی که امام را امام کرد و این همه اثرات وجودی در حوزه تشریح که اسلام را در دنیا معرفی کرد و از غربت درآورد، بینش سیاسی امام نبود؛ بلکه بینش ولایی امام و اعتقادات ولایی بود که امام خمینی نسبت به اهلیت (علیهم السلام) داشت.

روزی آیت الله خزعلی در منزل ما خوابیده بود و در پایین پا عکس امام بود. ایشان عکس امام را برداشتند، در طرف دیگر گذاشتند و گفتند: من خجالت می‌کشم پایم را به طرف عکس امام دراز کنم.

ایشان از خواب بیدار شد و دیدم که چشم هایش اشک آلود است. گفت: من الآن امام را در خواب دیدم در حالی که دعا می‌کند و گریه می‌کند و می‌گوید: الهی بفاطمة الزهراء!

امام خمینی اولاً از من تشکر کردند که پایم را به طرف عکس ایشان دراز نکردم و سپس این رمز را به من دادند که رمز موفقیت، توسل به حضرت فاطمه زهراست. اگر می‌خواهید موفق شوید، به حضرت فاطمه زهرا متوسل شوید. صلواتی ختم بفرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته